

تحقق عدالت آموزشی از دیدگاه معلمان دوره دوم ابتدایی شهرری بر اساس مولفه‌های اسناد بالادستی

نوشین کمرئی^۱، ملیحه رجایی^۲

^۱کارشناسی ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه غیر انتفاعی رفاه
^۲هئیت علمی دانشگاه غیر انتفاعی رفاه

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، میزان تحقق عدالت آموزشی از دیدگاه معلمان دوره دوم ابتدایی شهرری بر اساس مولفه‌های اسناد بالادستی است. روش پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و از نوع پدیدارشناسی تفسیری است. در این پژوهش با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، دوازده آموزگار دوره دوم ابتدایی در سال ۱۴۰۳ انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای روایی و پایایی از روش لینکلن با معیارهای مقبولیت، اعتمادپذیری، انتقال پذیری و تصدیق پذیری استفاده و سعی شد؛ ارتباطی توأم با اعتماد و صمیمیت با مشارکت کنندگان برقرار شود. جهت تأیید داده‌ها، متن در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار میگرفت و از جهت صحت نظرات آنها اطمینان حاصل می‌شد. سوالات مصاحبه از مفاد متن اسناد بالادستی (قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش) استخراج شدند که پس از واری و مطالعه در ۲۰ مولفه شامل آموزش رایگان، رشد اقتصادی و آموزش، مشاوره، خدمات تغذیه، بهداشت، ساختار آموزشی، آموزش روستایی، توجه به نیازهای انسان، آموزش‌های ضمن خدمت، محتوای کتب درسی، تعمیم دوره پیش دبستانی، فوق برنامه‌ها، همکاری شهرداری و شورا با مدارس، فضای فیزیکی، توجه به تفاوت‌های جنسیتی، ایجاد فرصت برابر برای همه، آموزش آزادی‌های مشروع و انعطاف‌پذیری احصا شد. مولفه‌های ذکر شده، مضامین اصلی در نظر گرفته شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین شاخص‌های ذکر شده در اسناد بالادستی و آنچه در سیستم آموزشی اتفاق می‌افتد تفاوت‌هایی وجود دارد. مطابق با پژوهش؛ واژه‌ها، محتوا و مفاهیم ذکر شده در این اسناد که درباره عدالت آموزشی هستند به طور دقیق مشخص نیست و معلمان نسبت به این مفاهیم ابهام دارند و معانی متفاوت از آنها دریافت می‌کنند. پیشنهاد می‌شود ضمن تحلیل هر کدام از مضامین در حیطه آکادمیک، رویکرد فلسفه تعلیم و تربیت نسبت به عدالت آموزشی مشخص و دقیق باشد و برای این منظور لازم است؛ آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی توسط متولیان آموزش و پرورش و با همکاری مدیران سطح بالا نوشته شود که برای مجریان و دست‌اندرکاران آموزشی حوزه و قواعد عمل را مشخص سازد بگونه‌ای گزاره‌های قانونی معنای یکسانی برای مجریان داشته باشد و در مرحله بعد، قوانین آموزشی ضمانت اجرایی نیز داشته باشد. در نهایت برای تحقق عدالت آموزشی؛ ارتباط بخش‌های دولتی و ساختارهای مردم‌نهاد باید تقویت شود.

کلیدواژگان: اسناد بالادستی، عدالت آموزشی، معلم

مقدمه

زندگی بشری در گرو گسترش فرهنگ و تمدن و جمع‌گرایی است و این امر با مفاهیمی نظیر آرامش، صلح، امنیت، حقوق و اجتماع گره خورده است و نقطه مشترک و مثبت همه این امور در مفهومی جلوه‌گر است که گاه آن را عدالت و گاهی برابری و مساوات تفسیر کرده‌اند. عدالت است که به منزله سنجه مناسبی برای خرد و حیات انسانی و الهی است. این مفهوم آنچنان والاست که هدف انبیاء الهی نیز در تحقق همین امر است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (الحديد، ۲۵)

ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

مقوله تربیت نه به عنوان یک هدف که به منزله یک فرآیند فرهنگی و اجتماعی همواره در کانون توجه جوامع و ادیان و از طرفی اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده است؛ چرایی این امر آنجا هویدا می‌شود که تلقی علت و معلولی از مفهوم عدالت، به ما می‌گوید: هرچقدر فرد و جامعه درست تربیت شده باشند؛ به تبع آن احاد آن جامعه و نسل آینده در مسیر درست‌تری گام خواهند برداشت. هر سند بالادستی، اگرچه برپایه داده‌ها و مفاهیم مبتنی بر قانون اساسی و نظر کارشناسان شکل گرفته، ممکن است دچار کاستی‌های نظری و عقیدتی باشد که می‌توان این کاستی‌ها را در چند نکته مهم طبقه‌بندی کرد که ضرورت تفسیر را نیز توجیه می‌کند. به طور کلی این قوانین «کلی بوده و به جزییات نپرداخته‌اند. بعلاوه انتزاعی هستند. یعنی شعارگونه و آرمانی هستند. همچنین ثبات دارند و غیرقابل انعطافند و در نهایت صبغه اخلاقی دارند. در نتیجه قابلیت تفسیر دائمی دارند» (کدخدایی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۷)

مبانی نظری

تعریف مفهومی عدالت

از مفهوم بالا چنین بر می‌آید که عدالت مفهومی جمعی است که باید توسط یک قوه قاهره بر ناعدالتی‌ها چیره شود. همچنین در عدالت بر جنبه‌های مثبت و منفی نیز تأکید می‌شود.

عدالت در تمدن غرب

واژه‌سازی در هر فرهنگی، تابع ساختارهای اجتماعی، تاریخی و فرهنگی یک جامعه است. در واقع واژه‌های مهم تابع ماهیتی است متشکل از نظریه، فرضیه، روش و معیار که در اصطلاح به آن پارادایم^۱ یا الگوواره می‌گویند.

عدالت در اسلام

اسلام و ارزش‌های این دین مبین (خصوصاً عدالت) در تکامل شخصیت و جامعه نقشی تعیین‌کننده دارد. از آنجا که حقیقت عدالت، امری فرای واژه‌ها و برخاسته از دل مفاهیم بلند نظری و معرفتی است؛ برای بررسی مفهوم عدالت در اسلام برخی از آیات قرآن، اندیشه‌ها و سخنان حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) بیان می‌شود. چرا که منابع دینی منحصر به مواردی است که دین اسلام یا بزرگان دینی بر آن صحنه نهاده باشند. در نگرش اسلامی، عدالت و ابعاد آن سرچشمه الهی داشته و در چارچوب دین و شریعت اسلامی قابل تعریف‌اند. از این رو، عدالت چهره الهی و آرمانی دارد و تابع ذوق، سلیقه و میل انسان‌ها نیست. به همین خاطر چنین مفهومی، در نگرش دینی و اسلامی، قابل تحویل به رضامندی، مطلوبیت‌گرایی، و قرارداد اجتماعی و... (یا همون اصول لیبرالیسم) نمی‌باشد. بنابراین با توسل به نظریه‌های مدرن عدالت، که خاستگاه لیبرالیستی دارد، نمی‌توان عدالت مورد نظر نظام اسلام را در عرصه اقتصاد و آموزش و... محقق ساخت. (اصغری، ۱۳۸۴)

^۱ . Paradigm

عدالت آموزشی

عدالت آموزشی^۲ در معنای کلی فراهم آوردن برابری فرصت‌های آموزشی برای دانش‌آموزان و دانشجویان است؛ به ویژه زمانی که که بین مخاطبین آموزش در وجوه و حالات مختلف، تفاوت‌های زیادی باشد. در نتیجه عدالت آموزشی، شامل مواردی نظیر تعامل و شیوه عملکرد مبتنی بر انصاف، برخورد بدون جانب‌داری، راهنمایی متناسب با توانایی، رعایت عدالت در ارزیابی و ارائه امتیازهایی دارد که می‌تواند باعث انتقال حس ارزشمندی به دانشجو/ دانش‌آموز شود و ایجاد رفتارهای مدنی و تحصیلی مطلوب را در پی داشته باشد. به طور خلاصه عدالت آموزشی مشتمل بر فرآیندهای تعامل، آموزش، راهنمایی و تدریس است. (صالحی عمران و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۰۰)

عدالت آموزشی در ایران

اصطلاح عدالت آموزشی مفهومی گسترده و دارای کاربردی متفاوت از دیدگاه‌های مختلف است. شاید در نگاه نخست معانی که از این واژه به ذهن متبادر می‌شود، این موارد را شامل بشود:

- مساوات در منابع و امکانات آموزشی مراکز آموزشی مختلف
- برخورد یکسان معلمان با دانش‌آموزان مختلف
- آموزش تفکر انتقادی به دانش‌آموزان جهت بررسی موقعیت اجتماعی و اقتصادی
- تحرک اجتماعی و تفکر انتقادی در بین دانش‌آموزان و کل سیستم آموزشی (جودی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۹۴)

جایگاه معلم در نظام آموزشی

معلم به منزله نقطه مشترک بین همه ارکان آموزش و فردی که تمام حقیقت آموزشی را به طور مستمر لمس می‌کند مورد توجه است. دانش‌آموزان اگرچه در این محیط در حال رشد و نمو هستند؛ اما هر دانش‌آموز نهایتاً دوازده سال در این حیطه گام بر می‌دارد و آگاهی لازم را نسبت به کم و کیف آموزش خود ندارد. همچنین به علت محدودیت‌ها، دانش‌آموز قوه تشخیص و مقایسه بین سطوح مدارس را ندارد. یک معلم همزمان هم باید عدالت را در خصوص شاگردان خود رعایت کند و هم به عنوان بخشی از سیستم برای خود مطالبه عدالت را رقم بزند. توان یک معلم در تنظیم بین خواست شخصی و خواست جمعی است.

اسناد بالادستی و عدالت

به صورت مختصر عدالت را در اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی، اسناد توسعه و سند تحول بررسی کردیم که در ذیل به مهم‌ترین موارد اشاره می‌کنیم.

قانون اساسی

والاثرین قانون هر کشور، قانون اساسی است که نشان دهنده رویکرد همیشگی یک ملت نسبت به مقوله‌های ملت‌ساز و آینده‌ساز است. این قانون با وجود کلی بودن و در برخی موارد آرمانی و ایدئولوژیک بودن در بردارنده مواردی است که مسیر کشور را برای چند نسل هموار می‌سازد. اصلاحیه این قانون در سال ۶۸ به همه پرسی گذاشته شد.

- اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

- اصل سی‌ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

² . Educational Justice

- اصل چهل و سوم

برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود.

۱. تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

با بررسی مندرجات فوق و اصول مرتبط به عدالت در می‌یابیم که:

۱. اصل بیستم قانون اساسی به دلیل اینکه همه موارد و شئون زندگی انسانی را در خود جای می‌دهد، به طریق اولی آموزش نیز را شامل می‌شود. (همگانی بودن) (آموزش زنان)

۲. عدالت در نظر گروهی از نظریه پردازان، در دنیای کنونی «برابری» است. اجرای عادلانه قانون بدین معنی است که درباره غنی و فقیر و در هر موقعیتی، یکسان اجرا شود؛ ولی باید پذیرفت که در این مفهوم صوری و خشک هیچ گونه کیفیتی راه ندارد و نقص در همین جاست. (جهانجونا و پورمنوچهری، ۱۳۹۸، ۶۴)

۳. اصل چهل و سوم به صراحت هدف از عدالت در مسائل اجتماعی را مبارزه با فقر و محرومیت بر می‌شمارد. پس یکی از چارچوب‌های عدالت آموزشی، توجه به رفع کاستی‌هاست. (فرآهم آوردن حداقل‌ها)

برنامه توسعه ششم

برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ (تمدید تا پایان سال ۱۴۰۲) است و توجه به مسائل مرتبط به آموزش مبتنی بر سند تحول از دغدغه‌های نویسندگان آن بوده است.

- ماده ۶۳

الف - دولت مکلف است برای ایجاد تحول در نظام تعلیم و تربیت اقدامات زیر را انجام دهد:

۲- تهیه نظام رتبه‌بندی معلمان و استقرار نظام پرداخت‌ها براساس تخصص با شایستگی‌ها و عملکرد رقابتی مبتنی بر نظام رتبه‌بندی معلمان و مهندسی نیروی انسانی براساس سند تحول و نقشه جامع علمی کشور...

۳- ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی....

ب - سازمان اداری و استخدامی کشور و سازمان موظفند به منظور ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت با جذب معلم از طریق دانشگاه‌های فرهنگیان و شهید رجایی، در طول اجرای قانون برنامه، ردیفهای استخدامی و تأمین اعتبار مورد نیاز آموزش و پرورش را با رعایت قوانین و ضوابط مربوطه و ظرفیت جذب دانشجو در دانشگاه‌های یادشده برای جذب دانشجو معلم‌ها در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دهند.

ت - دولت مکلف به تنظیم و اجرای سیاست‌های حمایتی از خیرین مدرسه‌ساز می‌باشد و باید معادل کمکهای تحقیقی‌یافته آنان را جهت تکمیل طرحهای (پروژه‌های) نیمه‌تمام خیرین در بودجه سنواتی منظور نماید.

ث - دولت مکلف است به منظور افزایش ایمنی و مقاوم‌سازی مدارس و فضاهای پرورشی و ورزشی وزارت آموزش و پرورش معادل ریالی مبلغ سه میلیارد دلار در طول اجرای قانون برنامه..... با اولویت طرحهای (پروژه‌های) نیمه‌تمام آموزشی، پرورشی و تربیت بدنی آموزش و پرورش اختصاص دهد.

ج - هزینه کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی در احداث، توسعه، تکمیل و تجهیز فضاهای آموزشی و پرورشی، خوابگاه‌های شبانه‌روزی، کتابخانه‌ها، سالنهای ورزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش با تأیید سازمان توسعه، نوسازی و تجهیز مدارس کشور به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می‌شود.

چ - کلیه درآمدها، کمکها و هدایای مردمی نقدی به سازمان دانش‌آموزی پس از واریز به خزانه به عنوان درآمد اختصاصی وزارت آموزش و پرورش محسوب می‌گردد. وزارت آموزش و پرورش موظف است مبالغ واریزی در قالب بودجه سنواتی را فقط برای فعالیت‌های فرهنگی و پرورشی توسط سازمان دانش‌آموزی در مدارس هزینه نماید.

ح - دولت موظف است در طول سال‌های برنامه، اعتبار و منابع لازم را در جهت ترویج ارزشهای ایرانی اسلامی و توسعه فرهنگ مطالعه و پژوهش در مناطق محروم روستایی و مناطق عشایری و مرزی در اختیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قرار دهد.

نکات کلیدی و محتوایی سند به قرار ذیل است:

اهداف عدالت آموزشی برنامه توسعه ششم بیشتر مبتنی بر زیرساخت‌های انسانی و عمرانی و تجهیز مالی سیستم وزارت آموزش و پرورش استوار است. در واقع متولیان امر کوشیده‌اند، مفهوم عمومی مندرج در قانون اساسی را به نوعی باز تعریف کنند و چارچوب کلی را برای آن ترسیم کنند با این امید که قوانین مجلس، آیین‌نامه‌های دولت و اسناد بالادستی دولت بتواند خلاهایی ناشی از کلی‌گویی این قانون را پر کند. در ذیل مهم‌ترین عناوین مطلب را بررسی کردیم:

- ۱- عدالت در معشیت معلمان (نظام رتبه بندی) و تامین اعتبار (استخدامی)
- ۲- حمایت از خیرین مدرسه ساز و حمایت از طرح‌های نیمه تمام (عمرانی)
- ۳- تجهیز مدارس با عایدی مالیات و تخصیص درآمد‌ها و هدایا به آموزش و پرورش (بودجه)

برنامه توسعه هفتم

این برنامه که به برنامه پیشرفت نیز موسوم است، توانایی‌های کشور را از بازه ۱۴۰۳-۱۴۰۷ هدف قرار می‌دهد و عناوین تربیتی آن به قرار ذیلند. اگرچه این قانون در حال اجراست، ولی از آنجایی که بخشی از محتوای قانون ناظر به امور اجرایی و قانونی است در این جا به آن می‌پردازیم:

کیفیت و عدالت تربیتی

ماده ۸۸- به منظور برخورداری دانش‌آموزان از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت و تامین و بسط عدالت تربیتی، وزارت آموزش و پرورش مکلف است با همکاری دستگاه‌های ذیربط تا پایان سال اول برنامه:

الف) استانداردها و ضوابط اداره کیفی مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی در زمینه‌های آموزشی، پرورشی، تجهیزاتی و اداری را طراحی و ضمن ابلاغ به مدیران واحدهای مرتبط، تعهدات لازم برای اجرای صحیح قواعد اعلام نماید.

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، سندی جهت تبیین افقی برای توسعه ایران در زمینه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که به پیشنهاد مجمع تشخیص، توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده‌است. اجرای این چشم‌انداز از سال ۱۳۸۴ و در قالب چهار برنامه توسعه ۵ ساله انجام می‌گیرد. سال ۱۴۰۴ خورشیدی (۲۰۲۵ میلادی) افق چشم‌انداز است. در اینجا مهم‌ترین مولفه‌های آن را استخراج نمودیم.

- اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش..... در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز.
 - تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت و....
- پرداختن به این امر که باید نظام آموزش کشور در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز (توسعه و عدالت و....) اصلاح شود از مزایای این سند. هر چند نقطه ضعف آن پرداختن به شاخه‌های کیفی این مسئله است و بیشتر از آنکه ریل‌گذاری کند تلاشی برای تعیین مسیر کشور است. امری که باید جلوه آن را در اسناد بالادستی وزارتتی دید.

سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین با نام کامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این سند با هدف ایجاد تحول در نظام آموزشی کشور و تربیت نسلی متعهد، خلاق و کارآمد تدوین شده است. این سند می‌کوشد ضمن تبیین ارزش‌ها و مأموریت‌ها، چشم‌انداز، هدف و راهبرد و یک برنامه عملیاتی برای همه شئون آموزش و پرورش کشور ترسیم نماید.

- نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلاء فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

- در جامعه اسلامی که مظهر تحقق بُعد اجتماعی حیات طیبه به شمار می‌آید، پیوندها خشونت آمیز (ناشی از ترس و تهدید و ارباب) یا انتفاعی (ناشی از سودگرایی و استثمار یا استخدام دیگران) نیست بلکه ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت و اطاعت از خدا (پیروی آگاهانه و اختیاری از نظام معیار دینی) معطوف است.

- عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی
- تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالتخواه و صلح جو، ظلم ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمعگرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیاء، انتخاب گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون مدار و نظم پذیر و آماده ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی؛

- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی و زمینه سازی برای اقتدار و مرجعیت علمی و تکوین تمدن اسلامی - ایرانی در راستای تحقق جامعه جهانی عدل مهدوی با تأکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی و سیاسی.....

- گسترش و تأمین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی؛
- توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تأکید بر توانمندسازی معلمان و دانش آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت‌های تربیتی هماهنگ با نظام معیار اسلامی
- تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور

- گسترش و تأمین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی؛
- افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی بویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛
- ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛
- تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی الامکان با مشارکت بخش غیردولتی با تأکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی.

- برنامه‌ریزی و تمهید مقدمات برای پوشش کامل دوره آموزش عمومی و برخوردار از کیفیت مناسب در تمام مناطق کشور.
- توانمندسازی دانش آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه ی شهرها، عشایر کوچ نشین و هم چنین مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه، با تأکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و با کیفیت.

- اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد، تدوین برنامه برای رشد، توانمندسازی و مهارت آموزی، ادامه تحصیل و حمایت مادی و معنوی دانش آموزان مناطق محروم و مرزی

- اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم و نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استانها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی
- طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران.
- طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف‌پذیر، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی استعدادها و گوناگون دانش‌آموزان به منظور شکوفایی استعدادهای خاص و افزایش کارآمدی و مفید بودن آنها
- ساماندهی و بکارگیری بهینه و اثربخش منابع انسانی و توزیع عادلانه آن در سراسر کشور

عدالت و راهکارهای آن در سند تحول

به عدالت آموزشی در سند تحول راهبردی آموزش و پرورش پرداخته شده است. واژه عدالت به طور انفرادی و مرکب حدود چهارده بار در این سند آمده است. علاوه اینکه هدف‌هایی کلی برای این مهم در نظر گرفته شده است.

- گسترش و تامین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی
 - افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
 - ارتقای اثر بخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت عمومی
- همچنین در این سند برای «تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوتها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور» راهکارهایی در نظر گرفته شده است.
- راهکار ۱-۵- تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند در حد امکان با مشارکت بخش غیردولتی با تأکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی.

راهکار ۲-۵- برنامه ریزی و تمهید مقدمات برای پوشش کامل دوره آموزش عمومی و برخوردار از کیفیت مناسب در تمام مناطق کشور

راهکار ۳-۵- توانمندسازی دانش‌آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ‌نشین و همچنین مناطق دوزبانه با نیازهای ویژه، با تأکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و با کیفیت

راهکار ۴-۵- اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد، تدوین برنامه برای رشد، توانمندسازی و مهارت آموزی، ادامه تحصیل و حمایت مادی و معنوی دانش‌آموزان مناطق محروم و مرزی.

راهکار ۵-۵- اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی

راهکار ۶-۵- طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران

راهکار ۷-۵- طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف‌پذیر، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی استعدادها و گوناگون دانش‌آموزان به منظور شکوفایی استعدادهای خاص و افزایش کارآمدی و مفید بودن آنها

راهکار ۸-۵- ساماندهی و به کارگیری بهینه و اثربخش منابع انسانی و توزیع عادلانه آن در سراسر کشور (سند تحول، ۲۲)

موارد مهم این سند به طور خلاصه به سه بخش، تقسیم می‌شود.

۱- سند تحول به دو مقوله مهم یعنی رفع تبعیض و توزیع عادلانه و همچنین نیازهای جنسیتی و شخصیتی می‌پردازد که به نظر نویسندگان برای تحقق عدالت کافی است.

۲- ضعف این سند آرمان‌گرایی و نبود بستر لازم برای تحقق اهداف آن است. چنانکه محققین معتقدند:

«مبانی سند تحول بنیادین از یک سو بر پایه نوعی نگرش آرمانی- افلاطونی - وبا آمیزه‌ای از تفسیر ایدئولوژیک از دین و از سوی دیگر به کمک روش استنتاجی و عقلانی تدوین گردیده است. گرچه تحقق هر تحولی نیازمند وجود آرمانی است؛ اما یکی از چالش‌هایی که آرمان‌گرایی پدید می‌آورد دور افتادن از واقعیت‌هاست. چنین چالشی از ناحیه در هم آمیختگی میان آرمان و تفسیر ایدئولوژیک از واقعیت‌ها به وجود می‌آید. چنین در هم آمیختگی را می‌توان در بیانیه ارزش‌های سند تحول مشاهده کرد.» (صفرحیدری و حسین نژاد، ۱۳۹۳، ۶۱)

۳- توجه به عدالت به عنوان مفهوم مشترک تمامی بشریت زیبنده است، اما در زمان کنونی نقطه ضعف چنین سندی، نبود راهکارهای عملی منطبق با بودجه و توان علمی و جغرافیایی کشور است. به همین جهت باید دید که عدالت موجود در سند، بعد از گذشت یک دهه، نه در آمار و اطلاعات که در اذهان مسئولین اجرایی آن چگونه قلمداد می‌شود. (همان)

پیشینه تجربی

در خصوص عدالت آموزشی در داخل کشور تحقیقاتی انجام شده است که به آن‌ها می‌پردازیم:

۱)..... حیدری و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله ای مروری با نام «مروری بر عدالت آموزشی» بر این نظرند که عدالت آموزشی بر عواملی مانند نشاط یادگیری، رفتارهای مدنی، خودکارآمدی و پیشرفت تحصیلی اثرگذارند. عدالت آموزشی از اهداف کلیدی نظام های آموزشی در سراسر دنیا است. به همین منظور باید عوامل تاثیرگذار بر عدالت آموزشی و تاثیرات آن بر مقوله های مختلف را مشخص کنیم.

۲)..... کاکای و همکاران (۱۴۰۱) در اثری با عنوان «تاثیر عدالت آموزشی بر عملکرد تحصیلی، رضایت از تحصیل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مدارس متوسطه دوره دوم شهر آبدانان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰» با روش توصیفی همبستگی با جامعه آماری ۲۷۰ نفره، به شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای و با چند پرسش نامه صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که عدالت آموزشی بر عملکرد تحصیلی، رضایت از تحصیل و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر معنا داری دارد.

از مقالات لاتین مرتبط به بحث عدالت اجتماعی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱).....مقاله زرگوش نسب و فتحعلیان^۳ (۲۰۲۲) با نام «عدالت اجتماعی از دیدگاه سید محمدباقر صدر و جان رالز: یک مطالعه تطبیقی» دو متفکر بر حق آموزش بر اساس برابری عادلانه تاکید دارند. در این تحقیق کیفی و بر مبنای جمع آوری داده‌ها که مبتنی بر تحلیل انتقادی فرکلاف نیز هست؛ نشان از آن دارد که دیدگاه مشترک رالز و صدر از عدالت به عنوان یک فضیلت اخلاقی نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی را نادیده می‌گیرد. هر دو فیلسوف بر آموزش به عنوان برابری عادلانه تکیه می‌کنند؛ اما نباید از نظر دور داشت که بر مبنای نگاه لیبرالیستی، رالز دولت را مسئول تامین عدالت می‌داند در حالی که صدر بر حکومت اسلامی و تکافل و همکاری اجتماعی پای می‌فشارد. در پایان به این نتیجه می‌رسد که دیدگاه صدر بر پایه مفاهیم اسلامی است ولی رالز، بسترهای لیبرالیستی را در نظر می‌گیرد.

۲).....مقاله مهربانی و همکاران^۴ (۲۰۲۲)، در اثر خود با نام «شناسایی عوامل مؤثر بر عدالت آموزشی و نقش آن در پویایی و سلامتی دانشجویان دانشگاه پیام نور تهران»، با روش کیفی به این نکات پرداختند که بر اساس مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته صورت گرفته، نشان داد که عدالت با ابعاد توزیعی، تعاملی و رویه‌ای خود، تاثیری ۴۵ درصدی در پویایی دانشجویان ایفا می‌کند و فناوری محوری و همچنین وجود آموزنده در مرکز توجه، دو عاملی است که ۵۵ درصد نشاط دانشجویان مذکور را تقویت می‌کند.

³ . Abdul Jabbr Zargoosh Nasab and Ardeshtir Fathalian

⁴ . Mehrabani , Niaz Azeri & Taghvaie Yazdi

۳).....در اثری دیگر، آگولیرا و نایت انجل لی^۵ (۲۰۲۲) با نام «آموزش از راه دور اضطراری در بافت‌های شهری و روستایی: دیدگاه‌هایی در مورد عدالت آموزشی» به این می‌پردازند که اگرچه در برخی مناطق آموزش از راه دور در دوره کرونا مفید بود؛ اما تجربیات شهری و روستایی با توجه به نابرابری‌های آموزشی موجود بیشتر به چشم آمد. سپس در پایان اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که برای افزایش عدالت آموزشی باید انعطاف‌پذیری در زمینه ارائه محتوا، بازنمایی یادگیری و ارزیابی انعطاف بیشتری نشان داد. سپس توصیه می‌کند که شیوه‌های قدیمی مدرسه‌داری را دوباره در پیش نگیریم.

۴).....اینسکو^۶ (۲۰۲۰) در «شمول و برابری در آموزش: درک چالش‌های جهانی» با رویکردی تحلیلی به این نتایج رسیده است که: سیاست‌های برابری و شمول باید دارای تعاریف روشن و قابل درک باشند. استراتژی‌ها نیز باید تحت تاثیر شیوه‌های جاری حضور، مشارکت و موفقیت همه دانش‌آموزان شکل بگیرند. همچنین خط‌مشی‌ها باید از تجربه و تخصص همه کسانی که در زندگی کودک نقش دارند، متکی باشد. در رویکردهای موجود، باید معلمان در توسعه شیوه‌ها حمایت شوند و در نهایت ادارات آموزش و پرورش در سطوح محلی و ملی، اصول کاری معلمان را برای ترویج برابری و شمول آموزش ارائه دهند.

۵).....اسلامی هرنندی و همکاران^۷ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای لاتین با نام «شناسایی مولفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران»، با روش کیفی توصیفی و با رویکرد استقراری نشان از آن دارد که عدالت آموزشی شامل سه موضوع اصلی توزیع عادلانه منابع، استفاده فراگیران از منابع و دسترسی فراگیران به شایستگی‌هاست. همچنین زیرشاخه‌های عدالت عبارتند از: تصمیم‌گیری، شایسته‌سالاری، پوشش و تامین همه مخاطبان، بهسازی مدارس، بهینه‌سازی منابع مالی، توجه به سلامت فراگیران، توانمندسازی فراگیران، ارتقای کیفیت آموزش، بهبود فرآیند ارزشیابی، مشارکت منصفانه است.

۶).....درزی بورخانی و همکاران (۲۰۲۴) در «بررسی تطبیقی حق بر عدالت آموزشی بر مبنای فقه شیعه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی» که یک مطالعه کیفی و تطبیقی است، سعی بر آن دارند که نشان دهند قوانین جاری ایران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با قوانین بین‌المللی در تفسیر حق بر عدالت آموزشی دارند. یافته‌ها نشان داد که در آموزش اجباری و رایگان شباهت و در مواردی نظیر معنای عدالت آموزشی، سن بلوغ، جواز تاسیس موسسات آموزشی، آموزش زبان مادری، حق انتخاب تحصیل برای کودک تفسیرهای متفاوتی وجود دارد که نیازمند آن هستیم با اجتهاد در فقه شیعه از این تفاوت‌ها عبور نماییم.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر به این صورت است؛ برای پاسخ به سوال اول از روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شد. یعنی برای تعیین شاخص‌ها و صورت‌بندی عدالت در اسناد بالادستی، قانون اساسی، سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بعنوان نمونه‌ای از این اسناد مطالعه و بطور کامل بررسی شد و شاخص‌های اصلی در هر کدام از این اسناد جمع‌آوری شدند که مبنای سوالات مصاحبه و مضامین اصلی نیز قرار گرفتند. برای پاسخ به سوال دوم پژوهش، که ناظر بر درک و تجربه زیسته معلمان از عدالت آموزشی است، روش مورد استفاده پدیدارشناسی تفسیری است. این روش از لحاظ هدف کاربردی است و در چارچوب رویکرد کیفی قرار دارد. پدیدارشناسی تفسیری نوعی از پدیدارشناسی است که بر درک منحصربه‌فرد شرکت‌کنندگان از هستی و یا زمینه اجتماعی که در آن قرار دارند مبتنی است و افراد مختلف میتوانند معانی و ارزشهای متفاوتی از آنها داشته باشند که فقط از طریق تفسیر دیدگاه فرد قابل دستیابی است (رضایی، ۱۴۰۳).

روش و ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای پاسخ به سوال اول داده‌های مورد نیاز از کتاب‌ها و مقالات و اسناد موجود درباره عدالت آموزشی در قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش استخراج شد. برای سوال دوم از مصاحبه ساختار یافته استفاده شد.

^۵ . Earl Aguilera & Bianca Nightengale-Lee

^۶ . Ainscow, M

^۷ . Eslami Harandi & karimi & Ali Nadi

مدت هر مصاحبه، ۵۰ تا ۳۰ دقیقه بود. پس از دستنویس کردن اطلاعات، مطالب مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد باید مجدد بعضی اطلاعات بررسی شود. مصاحبه‌ها ضبط و در اسرع وقت، دستنویس و کدگذاری شدند. مضامین اصلی از متن اسناد بالادستی بدست آمدند و ۲۰ مضمون را شامل شدند، در ادامه تحلیل مضمونی فقط مضامین فرعی، مورد توجه قرار گرفت؛ به این صورت که متن، چند بار خوانده یا شنیده شد و با توصیفات و تفسیرهای کتبی درباره گفته‌های شرکت‌کنندگان برای هر مضمون اصلی توضیحاتی تکمیل‌کننده استفاده شد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

۱. شناسایی شاخص‌ها و مسیرهای دستیابی به عدالت آموزشی در اسناد بالادستی

اهداف فرعی:

۱. بررسی میزان تحقق عدالت آموزشی ترسیم شده در اسناد بالادستی از دیدگاه معلمان دوره دوم ابتدایی شهر ری.

۲. ارائه راهکار برای تحقق عدالت آموزشی در مناطق حاشیه

سوال‌های پژوهش

۱. در اسناد بالادستی عدالت آموزشی چگونه صورت‌بندی (تعیین شاخص‌ها و مسیرها) شده است؟

۲. شاخص‌ها و مسیرهای دستیابی به عدالت آموزشی از نظر معلمان دوره دوم ابتدایی شهر ری تا چه حد تحقق یافته است؟

۳. چه راهکارهایی برای تحقق بیشتر عدالت آموزشی از دیدگاه معلمان شهر ری وجود دارد؟

عدالت آموزشی در قانون اساسی

شایان ذکر است که بیش از هشتاد سال پیش با تصویب مجلس ملی، به مورخه ۱۳۲۲/۰۵/۰۶ آموزش و پرورش در سطح ابتدایی اجباری و عمومی و رایگان شد و تنها کتاب درسی آن هم برای افراد با بضاعت مالی هزینه‌دار شد و اگر کسی مانع کار شد جرمه می‌شود (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس: قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی). در ادامه اصول قانون اساسی که بطور خاص و شاخص بر عدالت آموزشی تمرکز کرده‌اند بیان می‌شود. اصل سی‌ام، چهل و سوم و صدم بطور مستقیم عدالت آموزشی را مدنظر قرار داده بودند. ابتدا اصول مطابق متن قانون بیان می‌شود و سپس بصورت خلاصه و با درج نکات کلیدی در جدول آتی بیان شده است.

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

آیت الله صافی در تفسیر این اصل، به عنوان دبیر وقت شورای نگهبان معتقد است:

«مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید. بنابراین آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید.» (سایت شورای نگهبان، تفسیر شماره ۱۵۴۳، مورخ ۱۳۶۳/۱۷/۵).

با توضیح آیت الله صافی مشخص شد که در آموزش رایگان بیش از تساوی، مفهوم انصاف در این اصل خودنمایی می‌کند. منطقاً نیز نمی‌توان به جامعه‌ای امید بست که در آن آموزش رایگان برای مستضعفان و مستعدان وجود ندارد. منظور از مستعد افرادی مثل استعدادهای درخشان است که البته آموزش این دسته نیز امروزه رایگان نیست. در این اصل بر مبنای منطق و انتزاعی به نام عدالت که همگان از آن منتفع می‌شوند و همچنین تامین نیازهای مساوی ما، فایده مصلحت‌اندیشانه دیگری هم دارد و آن مصلحت عمومی جامعه در پیشبرد اهداف خود است. جامعه طبقاتی و از هم گسیخته، عملاً نمی‌تواند در نظام بین الملل به

استقلال لازم دست یابد و نظام اسلامی جز با تامین ما یحتاج اساسی مردم نمی‌تواند در ساختارهای دیگر نظام بین الملل رشد کافی داشته باشد.

اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

اصل صدم

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند. خلاصه یافته‌های مربوط به عدالت آموزشی در متن قانون اساسی در جدول شماره (جدول ۱) تنظیم شده است.

جدول ۱: عدالت در قانون اساسی

مولفه های عدالت آموزشی در قانون اساسی	
اصل سی ام	آموزش و پرورش رایگان
اصل چهل و سوم	تامین استقلال اقتصادی جامعه از طریق آموزش
اصل چهل و سوم	برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد (تاکید بر نیازهای مادی و اقتصادی)
اصل چهل و سوم	توجه به بهداشت و تغذیه
اصل صدم	توجه به همکاری شوراها و شهرداری در آموزش

همانطور که مشخص است در قانون اساسی کشور بصورت کلی درباره اجباری بودن، رایگان بودن، و توجه بسیار زیاد بر مسائل اقتصادی (شامل انتخاب شغل، تامین خوراک و مسکن و بهداشت و تغذیه) شده است و مختصر نیز درباره مشارکت مردمی از طریق شوراها و شهرداری در امر آموزش و پرورش شده است. (قانون اساسی، اصل صدم)

عدالت آموزشی در چشم انداز ایران ۱۴۰۴

مطابق این سند، در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که شاخصهای کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالصی ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود. با توجه به نیاز مسنجم و مستمر کشور در تحقق پیشرفت و رسیدن به چشم‌اندازها، این سند به آموزش به عنوان یک سکوی برتر جهت پرش و موفقیت تاکید داشته است که به وسیله آن می‌توان پیشرفت همه جانبه کشور را تضمین نمود. از سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌توان به این مورد اشاره کرد:

۱. اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز.
۲. تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی بخشی و قانونمند کردن آن.
۳. تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقاء سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد.

جدول ۲: عدالت در سند چشم‌انداز

مولفه‌ها عدالت آموزشی در سند چشم‌انداز
اصلاح نظام آموزشی کشور برای تأمین منابع انسانی
ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی
نهادینه کردن آزادی مشروع از طریق آموزش و آگاهی بخشی

همانطور که در جدول شماره ۲ مشخص است، وجود سند برای انتظارات نظام حاکمیتی از روش‌ها و روندهای خود است و در واقع نتیجه محور و تنها انتظارات را بیان کرده است بدون اینکه به روش‌های تحقق این امر اشاره‌ای داشته باشد.

عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی

سومین ساختار موثر در امر آموزش ملی ایران، سند تحول بنیادین است که البته همچنان در مورد این سخن و حد فاصل بین عملکردی و آرمان‌گرایی آن فاصله زیاد است. سندی که قرار است محورهای اصلی تحول و توسعه در آموزش و پرورش را فراهم کند، امروز و در میان صاحب نظران در حال بررسی و مذاقه است و به مولفه عدالت آموزشی بسیار بیشتر از اسناد دیگر توجه کرده است:

- اگرچه هر محقق می‌تواند معیارها و چارچوب‌های مشخصی برای بیرون کشیدن مولفه‌های عدالت از این سند به دست بدهد؛ ولی محقق در این صفحات، مواردی چند را استخراج نموده که تشریح کننده و توضیح دهنده قانون اساسی و سند چشم‌انداز نیز باشد. در این سند، وظیفه نظام تعلیم و تربیت به قرار ذیل است:
- آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد (سند تحول، ۱۰)
- عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی (همان، ۱۷)
- گسترش و تأمین همه جانبه عدالت آموزشی و تربیتی (همان، ۲۵)

- توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق مختلف کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تاکید بر توانمند سازی معلمان و دانش آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت‌های تربیتی هماهنگ با نظام معیار اسلامی.
- طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران
- ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی (همان، ۲۵)
- تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند در حد امکان با مشارکت بخش غیردولتی با تاکید بر آموزش های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی
- اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع، تربیت نیروی انسانی کارآمد، تدوین برنامه برای رشد، توانمندسازی و مهارت آموزی، ادامه تحصیل و حمایت مادی و معنوی دانش آموزان مناطق محروم و مرزی
- طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف پذیر، متناسب با ویژگی های شخصیتی و محیطی استعداد های گوناگون دانش آموزان به منظور شکوفایی استعدادهای خاص و افزایش کارآمدی و مفید بودن آن ها (همان، ۳۹)

جدول ۳: عدالت در سند تحول بنیادین

مولفه های عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین
تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی
توجه به تفاوت ها و ویژگی های دختران و پسران و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش های آنان
ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی از طریق آموزش های ضمن خدمت
تعمیم دوره پیش دبستانی
توانمندسازی دانش آموزان و معلمان ساکن در مناطق محروم و روستایی
اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع آموزشی
استقرار نظام راهنمایی و مشاوره و به کارگیری مشاوران
برنامه تعلیم و تربیت انعطاف پذیر و بهسازی سیاست ها و برنامه های نظام تعلیم و تربیت
بازنگری ساختارها و روش ها و محتوای کتاب های آموزشی
فرصت های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب

در مجموع ۱۸ مضمون اصلی شامل تقویت آموزش مناطق مرزی، آموزش و پرورش رایگان، توجه به بهداشت و تغذیه، توجه به همکاری شوراها و شهرداری در آموزش، ایجاد فرصت های برابر آموزشی، تعمیم دوره پیش دبستانی، اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع، توانمندسازی روستاها و مناطق محروم، بازنگری جداول آموزش و محتوای کتب درسی، برنامه تعلیم و تربیت انعطاف پذیر، اصلاح نظام آموزشی کشور برای تأمین منابع انسانی، تأمین استقلال اقتصادی جامعه از طریق آموزش، برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد (تاکید بر نیازهای مادی و اقتصادی)، ارتقای اثربخشی و افزایش کارایی از طریق آموزش های ضمن خدمت، نهادینه کردن آزادی مشروع از طریق آموزش و آگاهی بخشی، توانمندسازی دانش آموزان ساکن در مناطق محروم، استقرار نظام راهنمایی و مشاوره و به کارگیری مشاوران، طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش های دختران و پسران بیان شده است.

متناسب با این مضامین سوالات ذیل طرح شد:

۱. آیا در مدارس شهر ری آموزش همگانی و رایگان وجود دارد؟
۲. آیا آموزش‌ها در جهت رشد و توسعه اقتصادی است؟
۳. خدمات مشاوره در مدارس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۴. خدمات مربوط به تغذیه در مدارس منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
۵. خدمات و آموزش‌های مربوط به بهداشت در منطقه شما در چه سطحی است؟
۶. با توجه به اینکه ساختار آموزشی کشور چندین بار اصلاح شده و تغییر کرده است آیا جوابگوی نیازهای دانش آموزان بوده است؟
۷. تجربه حضور در روستا داشته‌اید؟ آیا امکانات لازم در مدارس روستایی وجود دارد؟ آیا فرصت‌های برابر با مناطق شهری وجود دارد؟
۸. به نظر شما نیازهای اجتماعی در آموزش‌های مدرسه‌ای لحاظ شده است؟
۹. آموزش‌های حرفه‌ای و کلاس‌های ضمن خدمت رضایت بخش و در جهت رفع نیازهای آموزشی شما بوده‌اند؟
۱۰. نظر شما نسبت به محتوای کتب درسی چیست؟ آیا برای همه دانش آموزان مناسب است؟
۱۱. دوره آموزش پیش دبستانی تا چه اندازه در منطقه انجام شده است؟
۱۲. در مدرسه شما چه فوق برنامه‌هایی اجرا می‌شود؟
۱۳. مردم از طریق شورای شهر و شهرداری‌ها در امور و فعالیت‌های آموزش و پرورش مدرسه مداخله یا همکاری می‌کنند؟
۱۴. از لحاظ فیزیکی و ساختمان آموزشی مدارس از وضعیت مطلوبی برخوردار است؟
۱۵. در آموزش و پرورش به تفاوت‌های دختران و پسران پرداخته شده است؟
۱۶. در عملکرد مدارس دولتی در مقایسه با مدارس دیگر چه تفاوتی وجود دارد؟
۱۷. به نظر شما آموزش و پرورش و مدرسه توانسته‌اند آزادی‌های مشروع رو نهاده‌کنند؟
۱۸. به نظر شما آموزش و پرورش تا الان انعطاف پذیر بوده یا خیر؟ توضیح دهید
۱۹. مجموعاً و به نظر شما عدالت آموزشی در این ناحیه محقق شده است؟
۲۰. به نظر شما بهترین راهکارها برای تحقق عدالت آموزشی در این منطقه چیست؟

مضمون اصلی؛ آموزش همگانی و رایگان

با آموزگاران مدارس شهری در خصوص رایگان و همگانی بودن آموزش صحبت شد و این مسئله مورد سوال واقع شد تا بدانیم که مفهوم این آموزش و شاخصه‌های آن، نزد معلمان چگونه تفسیر و توجیه می‌شود و به کدام نکات توجه می‌شود. وجود حداقل‌های آموزش رایگان در منطقه امری انکارناپذیر است؛ اما تفسیر آموزگاران، خانواده و دانش‌آموز - و در یک کلمه جامعه - با نگاه دولت به این مقوله متفاوت است و مقایسه ذهنی بین مدارس دولتی و غیردولتی و مدارس ایران و دیگر کشورها معیارهای متفاوتی به دست می‌دهد. به همین دلیل با سوال از این مضمون، سعی کردیم پاسخ‌های مناسبی را دریابیم.

جدول ۴: آموزش رایگان و همگانی

آموزش رایگان و	تا حدودی بله بیشترین مساحت و تعداد مدارس دولتی اند. اولیاء تنها هزینه کتاب و بیمه می‌دهند
	بالا بودن سرانه دانش آموز در مدارس دولتی مدارس از اولیاء کمک می‌گیرد
	بله. آموزش‌های هلال احمر و مراکز بهداشت و بازیافت در مدرسه به صورت مستمر انجام می‌شود
	آموزش رایگان و همگانی وجود ندارد. بابت ثبت نام وجوهی اخذ می‌شود.

بله. تعداد محدود وجود دارد. که بیشتر مربوط به خود تحصیل است.
برنامه‌های آموزشی مثل صرفه‌جویی در مصرف آب، سرود، آموزش تفکیک زباله و....
قانون تحصیل رایگان فقط روی کاغذ است و اخذ وجه صورت می‌گیرد. و اولیاء نیز ناراضی هستند.
آموزش آتش‌نشانی و کمک‌های اولیه به صورت رایگان و منظم در حال انجام است
وجود مدارس متعدد دولتی و وجود مدارس خیرساز و مدارس آستان عبدالعظیم حسنی
آموزش رایگان است. اگر هم مبلغی گرفته می‌شود برای مراسمات دانش آموزان است

در این زمینه می‌توان پاسخ‌های بدست آمده را در سه مضمون فرعی تقسیم کرد.

یک دسته معلمانی قائل بودند که مدارس کاملاً رایگان است. این مدارس، وابسته به نهاد آستان حضرت عبدالعظیم حسنی بودند.

دسته دیگر معلمانی که معتقدند مدارس تا حدی رایگان است این دسته از معلمان عنوان می‌کردند که بصورت اجبار مستقیم هزینه دریافت نمی‌کنند؛ بلکه به اسم کمک به مدرسه اقدام به اخذ وجوه مبالغی می‌کنند و برخی آموزش‌های آتش نشانی، بازیافت و نیز بصورت رایگان برای دانش آموزان انجام می‌شود.

دسته دیگری از معلمان قائل به این بودند مدارس رایگان وجود ندارد؛ زیرا به هر نحوی از والدین هزینه‌هایی دریافت می‌شود. پس در مجموع می‌توان گفت آموزش کاملاً رایگان عملاً وجود ندارد و اگرچه برای ثبت نام برخی هزینه‌ها را دریافت نکنند ولی ملزومات تحصیلی مخصوصاً کتاب و لوازم آموزشی به عهده خانواده است.

در نظر آموزگاران شهر ری، از مهم‌ترین راهکارهای عدالت در سطح مدارس ایران، می‌توان به وجود بودجه مناسب اشاره کرد. راهکارهای بعدی فراهم نمودن کادر و آموزگاران کافی است که نهایتاً این موارد هم به نوعی به بودجه بستگی دارد. به طور خلاصه می‌توان راهکارهای پیشنهادی این آموزگاران را در سه مضمون اصلی زیر خلاصه نمود؛

راهکار مالی

۱. تخصیص اعتبار مستقیم برای مدارس (مالی)
۲. افزایش دست مزد و رفاهیات معلمان (مالی)

راهکار تخصصی

۱. تعیین مدیران شایسته برای مدارس افراد متخصص برای وزارتخانه (تخصص)
۲. استخدام بیشتر معلمان (تخصص)

برنامه ریزی

۱. تعامل و رایزنی بیشتر با خانواده‌ها (تعامل)
۲. تقویت کلاس‌های فوق برنامه متناسب با سطح معیشت خانواده‌ها (برنامه‌ریزی)
۳. تقسیم متوازن امکانات (تساوی امکانات)
۴. تدوین و طراحی برنامه درسی مطلوب (برنامه ریزی)

نتیجه گیری

از آنجایی که مفاهیم و توضیحات آموزگاران به صورت کیفی تحلیل و بررسی شد، در اینجا نکات کمی تحلیل می‌شود:

- همانطور که در تحلیل بسیاری سوالات مشاهده می‌شد دیدگاه معلمان در خصوص امر عدالت آموزشی، عمدتاً غیرمثبت تلقی می‌شد. با نگاه منتقدانه و بررسی دقیق‌تر به نظر می‌رسد معلمان به طور کلی، مولفه‌های «آموزش رایگان»، «بهداشت»، «ضمن خدمت» و «حمایت شورای شهر و شهرداری» و «انعطاف‌پذیری» را مثبت ارزیابی کردند که در صورت همکاری و انگیزه مدیر این مضامین قابلیت تحقق بیشتری دارند. نکته جالب توجه آنکه، دو مولفه شهرداری و بهداشت با کمک مستقیم و

غیرمستقیم نهادهای خارج از آموزش و پرورش شکل می‌گیرد. برنامه‌های ضمن خدمت که معمولاً در یک سایت مشخص شکل گرفته است، به دو بخش رایگان و هزینه‌بر تقسیم شده که موارد هزینه‌بر در حال افزایش است. در این چهار مولفه تنها آموزش رایگان به چشم می‌خورد که چارچوب‌های حداقلی جهانی را داراست. هرچند به دلیل آنکه مدارس دولتی به دلایل مختلف وجوهی را طلب می‌کنند، این مولفه نیز تا حدودی رنگ باخته است. شاید به همین دلایل تقریباً هیچ کدام از موارد مذکور نمره بالایی کسب نکرده‌اند.

- در مضامینی مثل «آموزش اقتصادی»، «مشاوره مدارس»، «خدمات تغذیه»، «ساختار آموزشی»، «آموزش روستایی»، «نیازهای اجتماعی»، «محتوای کتب درسی»، «پیش دبستانی»، «فوق برنامه»، «فضای فیزیکی»، «تفاوت جنسیتی»، «عملکرد مدارس دولتی» ادراک معلمان نشانگر ناکارآمدی سیستمی است.

الف) آموزش به عنوان ماهیت کلیدی نظام مدارس ما از اهمیت بالایی برخوردار است و با وجود نیازسنجی‌ها و تغییر کتب درسی، هنوز بعد از دهه‌ها، نمی‌توان آموزش مورد قبولی را در کتاب‌های درسی یافت. این آموزش‌ها و پشتیبانی‌ها، فراگیر نبوده، به قومیت، جنسیت، اعتقادات، نیازها و باورهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دینی به خوبی نپرداخته است. به علاوه، بخش عمده آموزش ما در روستاها، به خاطر مرکز گزینی، در محاق و ضعف قرار گرفته است. بخش کلیدی دیگری از آموزش که از پیش دبستانی تا فوق برنامه و نهایتاً کنکور خلاصه می‌شود نیز به دلایل مالی خانواده‌ها در وضعیت ناهمگونی قرار دارد. به همین دلیل مأموریت آموزش و پرورش تغییر بنیادین در برنامه‌های آموزشی است. این تغییر باید در فرم و محتوا باشد و همه نیازهای روز دنیا را در بر بگیرد. چنین تحولی، در صورت بروز، یک انقلاب بزرگ در آینده آموزش کشور ایجاد خواهد نمود.

ب) بخش دوم نگرانی معلمان متوجه بحران‌های اقتصادی است. یعنی بخش‌هایی از آموزش که به طور مستقیم با بودجه کم مواجه هستند. با توجه به وضعیت ضعیف معیشتی بخش عمده‌ای از مردم، توجه به «تغذیه» یک برنامه بزرگ اقتصادی گسترده با میلیاردها دلار پول می‌طلبد. لزوم توجه به «فضای فیزیکی» و ساخت مدارس مدرن و توجه به دوره‌های آموزشی «فوق برنامه» درسی و غیر درسی، همه از مواردی است که با بودجه فعلی آموزش و پرورش که تنها ظرفیت پرداخت حقوق ماهانه معلمان را دارد، در منافات است. همین امر باعث آن است که نگاه به این امور چندان مطلوب نباشد.

- با وجود نگاه منفی بسیاری از معلمان به مولفه‌های عدالت آموزشی، نکته قابل توجه آنکه بخش زیادی از نگرش‌های نامتنوع بود. بخش عمده دیدگاه آموزگاران شهری، به طور کلی بر این باور است که در تمامی این موارد عدالت نسبی برقرار است یا نظر خاصی نسبت به این مسئله ندارند. اهمیت امر وقتی بیشتر می‌شود که در سوال تحقق عدالت آموزشی که سوال جامع این بخش نیز هست، با وجود تمامی نگاه‌های منفی ارائه شده در همه مولفه‌ها، تنها یک سوم پاسخ دهندگان، سیستم را فاقد هر گونه عدالتی می‌دانند. تنها یک نفر نظر کاملاً مثبت داشته و هفت نفر نیز امورات را متوسط ارزیابی می‌کنند. به همین دلیل پاسخ به این سوال، در انحراف از معیارهای اصلی قلمداد نمی‌شود و قابل توجیه است. معلمان با وجود تمامی انتقادهای درست از وضعیت کنونی، شرایط را آنقدر نابسامان نمی‌بینند که بخواهند دست از فعالیت‌های خود بردارند. اینکه رفتار آموزگاران، در روانشناسی یا جامعه‌شناسی حامل چه نکاتی است امری است علی‌حده که نیازمند تدقیق فراوان است ولی به نظر می‌رسد، در جزییات بدبین و در کلیات، منطقی‌تر و معقول‌تر به قضایا می‌نگرند.

- عدالت آموزشی اگر چه در دیدگاه جزیی، ناقص، ضعیف، بدون دستاورد و در مقایسه با جهان اول، قابل مقایسه نیست؛ اما در نگاه کلی، مبتنی بر نگرش به تاریخ، فرهنگ، شرایط و البته آینده در یک کل منسجم، حداقل قابل تامل و تحمل است و همین امر نشان می‌دهد آموزگاران اگرچه عدالت آموزشی را نمی‌پذیرند ولی بحران در این خصوص را نیز قبول ندارند.

علاوه بر موارد بالا به نظر می‌رسد موارد و مسائل مهم دیگری نیز قابل اعتنا و بررسی هستند که به آن‌ها اشاره می‌نماییم:

(۱) عبارات و اصطلاحات و تعاریف موجود در اسناد و قوانین به طور واضح و مشخص نیست. همین امر، قوانین را تفسیرپذیر کرده است. از آنجایی که، مثل قوانین دیگر متولی خاصی برای تفسیر نیست می‌توان درک کرد که چرا در حوزه اجرایی، این قوانین

متقن و قابل اتکا نیستند. واضح است که قوانین داخلی آموزش و پرورش در صدد تفسیر قوانین بالادستی برآمده‌اند؛ اما هرچقدر که به این هزارتوی حقوقی می‌نگریم، اثری از میانبر، راه حل و کاهش مشکلات نیست. در عوض نگاه‌های شعاری و ایدئولوژیک بر چارچوب امر آموزش سایه افکنده که تفسیر قوانین را پیچیده تر نیز می‌کنند. نکته دیگر اینکه به دلیل اهمیت موضوع (و نه برعکس)، نهادهای مختلف فرهنگی و سیاسی در سالیان متمادی بر تفسیرها و کارکردهای این نهاد چیرگی یافته‌اند، بدون آنکه به روشنی مسئولیت خاصی را به عهده گرفته باشند. همین کارکردهای عملی، مرز میان مفاهیم در آموزش را کم رنگ ساخته است. برای مثال، تعریف روشنی از آموزش، پرورش، نظام آموزشی و عدالت نیست و تغییرات دومینو وار کتاب‌های درسی و سیستم‌های آموزشی ناظر به همین مسئله است. چنین نکته‌ای را می‌توان به مواردی نظیر امورات اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و فوق برنامه مدارس نیز تعمیم داد و ریشه همه این امور را در هرج و مرج قوانین، و تفاسیر طی چند دهه دانست.

(۲) موارد بالا، در محافل حقوقی، آکادمیک و تخصصی مربوطه مورد کنکاش قرار نمی‌گیرد. مقصود از کنکاش، بررسی معایب و ارائه راه حل است. به همین دلیل قوانین ما در قیاس با کشورهای مورد نظر شاید ده‌ها سال عقب هستند. عمده ایراد ما در این است که حتی نمی‌دانیم ایراد در کجاست. بر فرض دانستن نیز، رابطه دانشگاه با وزارت مربوطه آنچنان قوی نیست که بازتاب روشنی دریافت شود. وظیفه محققان در حیطه‌های تربیتی و آموزشی به مراتب از دیگران سنگین‌تر است. در کنار این، از ظرفیت مغفول دانشگاه فرهنگیان نیز نباید غافل شد. دانشگاهی که متولیان آن همت خود را بر آموزش دبیر و آموزگار مصروف داشته‌اند و عملاً از تحقیقات کاربردی به دور هستند.

(۳) در تعریف قوانین باید دانست که هر قانونی لزوماً باید ضمانت اجرایی داشته باشد و این خصیصه ای بنیادین در علم حقوق است (موسی زاده، ۱۳۸۸، ۵۶). هرچند که در عمل، شاهد تعارض چشمگیری هستیم. ایراد اسناد بالادستی آن است که هیچ کدام در حوزه عمل ضمانت اجرایی لازم را ندارند. شاید مهم‌ترین چالش در بحث قانون اساسی آموزش رایگان باشد که به بحث‌های دامنه داری منجر شده است. در کنار این و به باور نگارنده، از مدیران به صورت جدی خواسته نمی‌شود تا این اسناد را اجرا نموده و با گزارش عملکردی خود پاسخگو باشند. بیشتر این محتوا دایر بر مسایل حاشیه‌ای در نتیجه چنین محتوایی عملاً ضمانت اجرایی نداشته و شعاری است. امری که می‌توان شواهد آن را در تمامی مدارس دولتی به خوبی مشاهده کرد.

(۴) نوشتن اسناد وقتی ثمر است که از کاربران اصلی آن نظرخواهی شود. در شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ نیز معمولاً ذائقه مشتری همراه با نظرات کارشناسان بررسی شده و محصول نهایی تولید می‌شود. در قوانین نیز چنین است و در صورتی می‌توان موفقیتی را مد نظر قرار داد که افراد از آن رضایت داشته باشند. این افراد یا همان جامعه هدف، مفاهیم عرفی دارند که می‌توان همین مفاهیم را در جای مقتضی به عنوان قانون وارد کرد. این قوانین عرفی^۸ در همه جای جهان، اجرایی شده و به دلیل همگونی با فرهنگ و تفکر جامعه بازخورد مثبتی نیز دارند. این در حالی است که در آموزش و پرورش، فاصله زیادی بین نظر معلمان و این اسناد در حیطه نظری وجود دارد. طبیعی است که این اوراق با همکاری معلمان ثمربخش شده و ضمانت اجرایی خواهد داشت و بدون مشارکت انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی معلمان چنین خلأ حیاتی به چشم می‌خورد. این نظر خواهی می‌تواند به شکل پرسشنامه‌ها یا مصاحبه‌های مستمر از معلمان اقصی نقاط ایران شکل بگیرد.

(۵) معلمان دوره ابتدایی در پاسخ به سوالات دچار ابهام جدی بودند. آن‌ها با مفاهیم و مصادیق آموزش، رایگان، بهداشت و نقش شهرداری و... بیگانه بودند. این مسئله به خاطر عدم شفافیت و سوگیری قوانین به نفع مسائل غیرقابل تمیز و تشخیص است. وقتی نیازها و حقوق یک جامعه منسجم و مطلوب نباشد؛ علاوه بر آنکه مفهوم عدالت زایل می‌شود، سیستم نیز در یک مسیر روشن حرکت نخواهد کرد.

(۶) پیش فرض های معلمان به علل گوناگون در مورد مقوله‌های عدالت دستخوش آسیب و تغییر است. آنها نه تنها از برخی کیفیت‌ها و کمیت‌ها اطلاعی نداشتند؛ بلکه در پاسخگویی به سوالات سردرگم و گنگ بودند. همین مسئله شاید بعد نوزدهم از

⁸ common law

عدالت آموزشی باشد. یعنی زمانی که یک آموزگار به درستی از چیزی که برای پیشرفت تحصیلی لازم است اطلاعات لازم را ندارد. آن‌ها به خوبی معنای واژه‌های پرسیده شده را نمی‌دانند. به خوبی از اختیارات مدیر و معلم آگاهی ندارند. از میزان نقش نهادهای بهداشتی و همچنین شهرداری در آموزش و پرورش آگاهی ندارند و به علت گستردگی آموزش، شناختی از کلاس‌های مرتبط ضمن خدمت ندارند. این ابهام فکری ناشی از یک مقوله کلی است. معلمان نقشی در سیاست‌های کلان و قانون گذاری نداشته‌اند و از سوی دیگر آموزش‌های ارائه شده به ایشان، در قالب ضمن خدمت کافی نبوده و معلمان تنها با خلاقیت خود به فعالیت همت گمارده‌اند.

۷) خلاقیت معلم در چنین شرایطی که برای تحقق عدالت آموزشی می‌تواند بسیار اثر گذار باشد. خلاقیت که با مفاهیمی نظیر «نیاز به کسب موفقیت»، «خودکنترلی»، «تحمل ریسک»، «رویارویی با وضع مبهم» و «رفتار نوع A: سماجت و اعتماد به نفس» (مظفرزاده و عباسی، ۱۴۰۱، ۱۲۱۰) شناخته می‌شود؛ به معلم کمک می‌کند خلأهای آموزشی را پر کند و جای خالی قوانین و کمک‌ها را با فعالیت فردی و تشویق دانش آموز و اولیا به تلاش بهبود بخشد.

۸) برای تحقق عدالت آموزش لازم است که اسناد به صورت متمرکز نوشته نشود. دخالت ارکان دیگر نظیر بهداشت، بهزیستی و... می‌تواند زمینه‌ساز اسنادی کاربردی‌تر و درخشان‌تر شود. به هر میزان که دموکراسی و همه جانبه‌گرایی در نگارش یک سند تجلی یابد، به همان میزان می‌توان موفقیت را متصور شد.

۹) آنچه مهم است اینکه فلسفه اجتماعی و فلسفه آموزش و پرورش باید در نگارش این اسناد به کار برده شوند. صرف نگارش چند سند بدون دستاوردهای اندیشمندان، نه تنها به موفقیت منجر نخواهد شد؛ بلکه منابع چند دهه و چند سده را به دست تباهی و ضعف خواهد سپرد.

پیشنهادهای

پژوهشی:

۱. دایره تعلیم و تربیت به قدری گسترده است که هر کدام از مضامین و مولفه‌های آن قابلیت مطالعه و پژوهش جداگانه را دارند. تحقیق در باب هر کدام از موارد و رفع کاستی‌ها، حداقل در حوزه پژوهشی، خدمتی به سیستم آموزشی محسوب می‌شود.
۲. این تحقیقات در بردارنده نکات بسیار مهمی است؛ اما در صورتی که همین مطالعه کیفی در مورد نیاز مدارس انجام شود و مدیران مدارس نیز نیازهای سالانه مدرسه را ارائه دهند قوی‌تر و مؤثرتر خواهد بود. چرا که دیدگاه مدیران مدارس، متوجه امور عینی‌تر و کاربردی‌تری است که قطعاً برای معلمان ملموس نیست.
۳. تحقیق در مورد نگاه خانواده‌ها و دانش‌آموزان در مورد عدالت و نیازهای مدارس مناطق غیر مرفه می‌تواند تا حد زیادی خلأهای مفهومی و فکری تحقیق کنونی را پر کند.

کاربردی:

۱. با توجه به ابعاد گسترده مشکلات آموزش و پرورش، می‌توان در دو جناح اقتصادی و برنامه‌ریزی کار این نهاد ارزشمند را سامان داد. وجود افراد متخصص در راس این نهاد، می‌تواند نوید بخش شرایط بهتری باشد. این افراد با استفاده از تجربیات کشورهای دیگر و نوآوری و شجاعت در عمل، قطعاً می‌توانند تاثیر گسترده‌ای داشته باشند. فراموش نکنیم آموزش و پرورش در مولفه‌هایی که مرتبط با نهادهای دیگر عمل می‌کند موفق‌تر است. بنابراین جلسات و تصمیم‌گیری‌های فراوانی می‌توان در حوزه انرژی، آموزش عالی، دفاع و امنیت ملی، فرهنگ و ورزش صورت داد و نتایج آن را در سطوح مختلف آموزش و پرورش گنجاند.
۲. بخش عمده‌ای از توانمندی پنهان آموزش و پرورش مربوط به استعدادهای پنهان است. این استعدادهای سرشار در تمامی شهرستان‌های میهن به نحوی است که نیازمند مسابقات گسترده علمی و فرهنگی و هنری و ورزشی است. توجه آموزش و پرورش به احیای مسابقات مدارس می‌تواند تا حد زیادی خلأهای مربوط در تمامی حوزه‌ها را پر کند.

سازمان برنامه و بودجه می‌تواند با همکاری ارکان مختلف دولت، ضمن افزایش بودجه خلأهای این سیستم را پر کند. هرچند که سیاست‌گذاران ارشد نظام در سه قوه باید راهبرد منسجم‌تری در حوزه مالی و برنامه ریزی این نهاد تدوین نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم: مشهور.
۳. برنامه توسعه ششم
۴. برنامه توسعه هفتم
۵. ابن عساکر. (۱۹۹۵). تاریخ دمشق. تحقیق العمروی، بیروت: دارالفکر.
۶. ابن منظور. (۱۴۱۴). لسان العرب. ط ۳. بیروت: دار صادر.
۷. ابوالقاسمی، مهدی؛ زین علی پور، حسین؛ شیخی، علی اکبر؛ و عصاره، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی اصول طراحی راهبردهای ارزشیابی مطلوب در میان دانش آموزان استعداد درخشان شهر اصفهان: یک مطالعه ترکیبی. تدریس پژوهی، (۱) ۶، ۲۵-۴۱.
۸. آتشک، محمد. (۱۳۹۱). ارزشیابی عدالت جنسیتی در نظام آموزشی ایران. زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۴)، ۱۲۷-۱۵۱.
۹. احمدی پرتو، محمد تقی. (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی مولفه‌های تربیت دینی و غیردینی. پژوهشنامه تبلیغ اسلامی، ۲(۵)، ۶۹-۹۰.
۱۰. اسعدی، علی. (۱۴۰۲). تحلیل اصل عدالت در اخلاق حرفه‌ای معلم و کاربست آن در موقعیت‌های کاربردی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۳)، ۹۱-۱۰۴.
۱۱. افلاطون. (۱۳۵۳). جمهور. تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۲. آقاحسینی، شیماسادات. (۱۴۰۰). تجربه زندگی بیماران بهبود یافته مبتلا به کووید-۱۹: مطالعه پدیدارشناسی تفسیری. حیات، ۲۷(۴)، ۳۷۴-۳۸۶.
۱۳. الفتی، معارف؛ حقیقتیان، منصور و حجازی، سیدناصر. (۱۴۰۱). تبیین عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی مهاجرت معکوس از شهر به روستا (نمونه موردی: شهرستان سرپل ذهاب). پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۵۰)، ۱۶۱-۱۸۲.
۱۴. جهانجونی، شاپور؛ پورمنوچهری، سیدعلی. (۱۳۹۸). بررسی عدالت آموزشی زنان در قوانین جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌نامه زنان، سال دهم، شماره دوم، ۶۱-۸۳.
۱۵. جمشیدی، محمد حسین؛ ایران نژاد، ابراهیم؛ فرشباغیان، احمد. (۱۳۹۱). عدالت اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی. مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، دوره ۵، ۱(۱۷)، ۱۳۴-۱۱۵.
۱۶. جودی، یونس؛ جوانپور هروی، عزیز؛ کوهی گیگلو، توکل. (۱۴۰۲). رویکرد تحلیلی از عدالت تربیتی اسلامی بر مبنای معرفت‌شناسی عدالت در فلسفه فارابی. قرآن و طب، ۸(۱)، ۱۸۹-۲۰۶.
۱۷. حیدری، پریسا؛ زارع، سارینا؛ شریفی، محمدعما؛ شعبان بلوکات، حنا. (۱۴۰۱). مروری بر عدالت آموزشی. رویش در آموزش علوم پزشکی، ۱۵(۲۵): ۱۳-۲۱.
۱۸. خدایاری زرنق، رحیم؛ صادق تبریزی، جعفر؛ جلیلیان، حبیب؛ خزمه، هیمن؛ جعفری، حسن؛ کیهان سجادی، محمد. (۱۳۹۶). ارزیابی فعالیت‌ها و برنامه‌های سلامت مدارس در حوزه رژیم غذایی و تغذیه سالم در شهر تبریز در سال ۱۳۹۶. راهبردهای مدیریت در نظام سلامت، ۲(۳)، ۱۸۱.

۱۹. خسروپناه، عبدالحسین؛ پورعزت، علی اصغر؛ محمدنژاد، حبیب. (۱۳۹۳). *وسعت معنایی عدالت در قرآن. مطالعات تفسیری*، ۳-(۱۷)، ۷۴-۴۹.
۲۰. خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۷). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۲۱. داودی، آزاده؛ اله ورزی زاده، سهیلا. (۱۳۹۵). *تصویری از عدالت آموزشی در آیین اسناد بالادستی و عملکرد شاخص‌های آن در ایران. دفتر تحقیقات و سیاست‌های تولیدی وزارت اقتصاد*.
۲۲. رالز، جان. (۱۳۸۸). *عدالت به مثابه انصاف*. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
۲۳. صدیقی، سمیه؛ سجادی خسرقی، جواد. (اردیبهشت ۱۴۰۲). آسیب‌شناسی وضعیت بهداشت مدارس در ایران. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. صفار حیدری، حجت؛ حسین نژاد، رزا. (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران). *مبانی تعلیم و تربیت*. دوره ۴، شماره ۱، ۷۲-۴۹.
۲۵. فاضلی، مهسا. (۱۳۹۰). اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تاکید بر سخنان و سیره عملی رسول خدا. معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۰، ۳۳-۵۰.
۲۶. قادری، سارا؛ قادری، کمال؛ شکر، گلچین. (۱۴۰۲). تحلیل کیفی آموزش سلامت در آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران مدارس ابتدایی. *راهنمای نو در روانشناسی و علوم تربیتی*، ۶(۱۸)، ۲۲۲-۲۱۲.
۲۷. قریشی، سیدعلی؛ احمدی، منیژه؛ پرهیزکاری، مریم. (۱۴۰۱). اثر آموزش‌های ضمن خدمت بر ابعاد توانمندسازی و توسعه حرفه‌ای معلمان ابتدایی وفق بند ۳ سیاست‌های کلی تحول در نظام آموزش پایه. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۶(۵۹)، ۹۴-۸۱.
۲۸. قریشی خوراسگانی، مریم سادات؛ نظرزاده زارع، محسن؛ بهرامی، بهنوش. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس دولتی شهر تهران. *مدیریت مدرسه*، ۹(۱)، ۲۶۲-۲۸۸.
۲۹. قنبرپناه، علی. (۱۴۰۱). شیوه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان ابتدایی. *همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*.
۳۰. قنبری، چمران؛ ذکریایی، منیژه؛ ناصریان، جواد. (۱۴۰۱). شناسایی چالش‌ها و شاخص‌های موثر در نگرش‌های کارآفرینی در محتوای کتب درسی ابتدایی. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۸(۲)، ۱۲۲-۱۱۳.
۳۱. قندهاری، آزاده؛ مهرمحمدی، محمود؛ طلایی، ابراهیم؛ فرجی دیزجی، سجاد. (۱۳۹۷). تبیین اهداف تربیت اقتصادی دوره ابتدایی در ایران مبتنی بر سنتز پژوهی. *مطالعات برنامه درسی*، ۱۳(۴۸)، ۶۲-۳۹.
۳۲. قهرمانی، فاطمه؛ سلیمی، مهتاب؛ نینوایی، مژگان. (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی آموزش بهداشت مدارس ابتدایی در کشورهای ایران، کره جنوبی و ژاپن. *آموزش پرستاری*، ۱۰(۵)، ۶۶-۵۳.
۳۳. کاکي، محمد؛ صدر، آمنه؛ علیزاده منفرد، سید مجتبی. (۱۴۰۱). تاثیر عدالت آموزشی بر عملکرد تحصیلی، رضایت از تحصیل و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه دوره دوم شهر آبدانان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰. *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*، ۴(۳)، ۵۰-۳۱.
۳۴. مالکپور لپری، کامران. (۱۴۰۰). بررسی عدالت آموزشی اساتید با فریبکاری علمی و رفتارهای مدنی تحصیلی دانشجویان. *آموزش علوم دریایی*، دوره ۸، شماره ۲۴، ۱۰۹-۹۵.
۳۵. مجلسی. (۱۹۸۳). *بحار الانوار*. تحقیق سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث.
۳۶. محمدمامین زاده، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی تغییر نظام آموزشی ایران از طرح ۵_۳_۱ به طرح ۶_۳_۳. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع*.

۳۷. محمدی، طاهره؛ ویسی، غلامرضا. (۱۴۰۱). مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدرسه تمدن ساز اسلامی. *مطالعات سیاسی تمدن نوین/اسلامی*، ۲(۳)، ۱۳۳-۱۶۱.
۳۸. محمدی، لیلا. (۱۴۰۱). بررسی رویکردهای نوین در انعطاف‌پذیری برنامه‌های درسی و تاثیر آن بر یادگیری فراگیر. *پژوهش و نوآوری در تربیت و توسعه*، ۲(۴)، ۲۱-۳۲.
۳۹. محمودی رجا، سیدزکریا؛ توانا، محمدعلی؛ هاشمی اصل، سید عبدالله؛ جریده، جواد. (۱۳۹۷). نقد برون گفتمانی پارادایم‌های عدالت در اندیشه سیاسی غرب. *پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی*، ۲۴(۱۱۸)، ۳-۳۲.
۴۰. مرادی، فاطمه؛ رحمانی، جهانبخش؛ شمشیری، محمدرضا. (۱۳۹۸). تبیین شاخص‌ها و برنامه‌های اجتماعی آموزش و پرورش ایران براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *جامعه‌شناسی سیاسی/ایران*، ۲(۳)، ۳۶۳-۳۷۲.
۴۱. مسلمی، محمدالله. (۱۳۹۹). مراحل تربیت دینی فرزند با تأکید بر سیره قولی و عملی پیامبر اکرم (ص). *گفتمان فقه تربیتی*، ۹۹(۲)، ۹-۳۸.
۴۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *خدمات متقابل ایران و اسلام*، تهران: صدرا.
۴۳. مظفرزاده، احمد؛ عباسی، مصطفی. (۱۴۰۱). بررسی نقش مدیران و معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان و شیوه‌های پرورش خلاقیت در مدرسه. *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۶(۸۶)، ۱۲۰۶-۱۲۲۶.
۴۴. معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. چاپ چهارم، تهران: آدنا.
۴۵. منصوری، سیروس؛ مرادی، رحیم. (۱۴۰۲). تجربه زیسته معلمان از دوره‌های آموزش ضمن خدمت: یک مطالعه پدیدارشناسانه. *راهنمای نوین تربیت معلمان*، ۹(۱۶)، ۵۱-۸۲.
۴۶. موسی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۸۸). ضمانت اجرای مغفول در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۶(۱۲)، ۵۳-۸۴.
۴۷. میرزایی، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوا کتب درسی دوره ابتدایی از منظر توجه به ابعاد و مولفه‌های بیداری اسلامی (تالیف سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹). *مطالعات بیداری/اسلامی*، ۱۰(۱)، ۱۴۹-۱۶۵.
۴۸. نادری فر، مهین؛ گلی، حمیده؛ قلجایی، فرشته. (۱۳۹۶). گلوله برفی، روشی هدفمند در نمونه‌گیری تحقیقات کیفی. *گام‌های توسعه در آموزش پزشکی*، دوره چهاردهم، شماره سوم، ۱۷۹-۱۷۱.
۴۹. ندایی، هاشم. (۱۳۹۵). روش‌های تربیتی ناظر بر رابطه تعاملی مربی و متربی از منظر نهج البلاغه جهت ارتقاء طرح تربیتی شجره طیبه صالحین بسیج. *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۱۵، ۷۹-۹۸.
۵۰. نصر زنجانی، بهاره؛ ترابی، زهره؛ ثبوتی، هومن. (۱۴۰۰). تأثیر مؤلفه‌های مکانی و محیطی روستا بر کیفیت و سطح آموزش. *مسکن و محیط روستا*، ۴۰(۱۷۳)، ۱۱۸-۱۰۳.
۵۱. نصری، قدیر. (۱۳۸۲). عدالت به مثابه انصاف. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۶(۱۹)، ۱-۲۴.
۵۲. نعمتی، تکتیم؛ غفاریان پناهی، علی. (۱۳۹۷). مشکلات اجرایی سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش (یک مطالعه فرا تحلیلی). *نشریه تحلیل مالی*، ۲(۱)، ۴۵-۵۶.
۵۳. نوایی لواسانی، محمود؛ صدیق سروستانی، رحمت اله؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۲). احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن. *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۴۹)، ۱۵۹-۱۸۶.
۵۴. نورمحمدی، محمدرضا؛ آقاپور، اسلام. (۱۳۹۱). نقش عدالت در سلامت روان جامعه از منظر آیات و روایات. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۱(۱)، ۸۸-۱۱۷.
۵۵. نویدکیا، افسانه؛ واعظی، رضا؛ قربانی زاده، وجه اله. (۱۴۰۰). واکاوی اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *خط مشی‌گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)*، ۱۲(۴۳)، ۱۳-۳۰.

۵۶. هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران). *جامعه شناسی کاربردی*، ۲۲(۳)، ۴۱-۶۲.
۵۷. واعظی، احمد. (۱۳۸۴). *جان رالز: از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی*. قم: موسسه آموزش عالی باقرالعلوم.
۵۸. یاری قلی، بهبود. (۱۳۹۳). بررسی جایگاه تربیت و عدالت تربیتی در نظریه عدالت جان رالز. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره دهم، شماره ۳، ۱۳۹-۱۷۲.
۵۹. -----؛ ضرغامی سعید. (۱۳۹۳). از نظریه عدالت جان رالز در نظام‌های آموزشی: رویکرد هرمنوتیک انتقادی. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۳(۲)، ۱۰۰-۱۲۳.
۶۰. یداللهی، انور؛ زارعی، محمدحسین؛ یآوری، اسداله. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی رویکرد سند ۲۰۳۰ و سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران به عدالت آموزشی جنسیتی. *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۲۱، شماره ۶۵، ۱۷۱-۱۹۸.
۶۱. یوسف زاده وفايي، اصغر؛ رهنمایی، سیداحمد. (۱۳۹۴). روش‌های تربیتی اسلام در تحقق عدالت اجتماعی. *معرفت*، شماره ۲۱۵، ۷۷-۹۲.

62. Ainscow, M. (2020). Inclusion and equity in education: Making sense of global challenges. *Prospects*, 49, 123-134.
63. Aguliera, E., & Nightengale-Lee, B. (2020). Emergency remote teaching across urban and rural contexts: perspectives on educational equity. *Information and Learning Sciences*, 121(5/6), 471-478.
64. Brigid Evans. (2021). Educational Justice and Disability: The Limits of Integration. *Philosophical Inquiry in Education*, Volume 28, No. 2, pp. 162-175.
65. Darzi Bourkhani, A. , Babaei Mehr, A. , & Nasiri Larimi, R. (2024). A Comparative Study of the Right to Educational Justice Based on Shia Jurisprudence in Iran and International Law Documents. *Iranian Journal of Comparative Education*, 7(2), 2955-2969.
66. Eslami Harandi, F, karimi, F, & Nadi, M. A. (2019). Identifying the Components of Educational Justice in Iran,s Education. *Journal of Research in Educational Systems*, 13(47), 55-75.
67. Levin, H. M. (2009). The economic payoff to investing in educational justice. *Educational researcher*, 38(1), 5-20.
68. Levinson, M., Geron, T., & Brighthouse, H. (2022). Conceptions of Educational Equity. *AERA Open*, 8.
69. Marx, S., & Kim, Y. (2019). Technology for equity and social justice in education: Introduction to the special issue. *International Journal of Multicultural Education*, 21(1), 1-4.
70. Mehrabani.M, Niaz Azeri,K & Taghvaie Yazdi,M. (2022). Identifying Factors Affecting Educational Justice and Its Role in Dynamics and Healthiness of Students of Tehran Payame Noor University, *Educational Developement of Jundishapur*, 13(1), 207-219.
71. Tompson,R. (2013). a Rawlsian instrument for evaluation of justice in Educational philosophy. (thesis of doctoral). Clemson University.
72. Simon, F, Malgorzata, K, & Beatriz, P. (۲۰۰۷). *Education and Training Policy No More Failures: Ten Steps to Equity in Education*. OECD Publishing.

73. Zargoosh Nasab, Abdul Jabbr and Fathalian, Ardeshir. (2022). Educational Justice in the Opinions of Seyyed Muhammad Baqir Sadr and John Rawls: A Comparative Analysis, *Iranian Journal of Comparative Education*, 5(3).
74. *Oxford English Dictionary*, s.v. "justice (n.)," February 2024.